

## رابطه بین سبک‌های یادگیری بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی شهرستان املش

معصومه بکرای<sup>۱\*</sup>، حسین کریمی نژاد<sup>۲</sup>، وحید حسینی پور<sup>۳</sup>، هاجر ابراهیمی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد رشته مدیریت منابع انسانی، گرایش مدیریت منابع انسانی اسلامی و آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان املش (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> استادیار گروه مدیریت و عضو هیئت علمی و رئیس موسسه آموزش عالی قدیر لنگرود

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد رشته مدیریت کسب و کار و عضو هیئت علمی گروه مدیریت موسسه آموزش عالی قدیر لنگرود

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد رشته مدیریت منابع انسانی، گرایش مدیریت منابع انسانی اسلامی و آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان املش

### چکیده

تحقیق حاضر به منظور بررسی تأثیر سبک‌های یادگیری بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پنجم و ششم ابتدایی شهرستان املش انجام گردید. این تحقیق با هدف کاربردی و به روش توصیفی - همبستگی انجام گرفت و از نظر جمع‌آوری داده‌ها، به صورت پیمایش و میدانی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه دانش‌آموزان کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی شهرستان املش (۹۹۰ نفر) بودند که به‌وسیله جدول مورگان، ۲۷۷ نفر دانش‌آموز، انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای تحقیق از پرسشنامه‌ی سبک‌های یادگیری کلب (۱۹۸۵) و برای سنجش عملکرد تحصیلی از معدل آزمون‌ها در نیم‌سال اول تحصیلی ۱۴۰۱ استفاده شد. برای بررسی فرضیه‌ها از آزمون‌های رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که بین سبک‌های واگرا، انطباق دهنده و جذب کننده با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌دار و بین سبک همگرا با عملکرد دانش‌آموزان، رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. به طور کلی این پژوهش نشان داد که سبک‌های یادگیری بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پنجم و ششم شهرستان املش تأثیر دارد. توجه داشتن معلمان به سبک یادگیری دانش‌آموزان و شناسایی آن‌ها، دانش‌آموزان را در انتخاب روش مناسب یادگیری، تا بتوانند به سطوح بالاتر عملکرد شخصی و شناختی و در نتیجه موفقیت تحصیلی خود دست پیدا کنند.

**واژه‌های کلیدی:** سبک‌های یادگیری، عملکرد تحصیلی، دانش‌آموزان، معلمان

## ۱. مقدمه

یکی از اصلی‌ترین ارکان پیشرفت و موفقیت در همه‌ی کشورهای جهان، نحوه‌ی آموزش و پرورش است و هر جامعه‌ای که دارای آموزش و پرورش کارآمد و قوی باشد، برای موفقیت و پیشرفت داشتن، امکان بیشتری دارد. نهادهای تربیتی و آموزشی، باید تمام تلاش خود را به منظور پیشرفت و موفقیت دانش‌آموزان به کار گیرند، زیرا دانش‌آموزان مانند سرمایه‌های ارزشمندی هستند که آینده‌ی هر جامعه‌ای به نحوه تربیت صحیح آنها، بسیار وابسته است (نظری، ۱۳۹۹: ۸). به گونه‌ای که هر سال، کشورها مبالغ زیاد و هنگفتی از درآمد و سرمایه ملی خود را در حیطه آموزش و پرورش صرف می‌کنند؛ زیرا می‌دانند که توسعه و رشد و بالندگی هر جامعه‌ای به سیاست‌های نظام آموزشی و در نتیجه به میزان توانمندی‌های علمی و عملی دانش‌آموزان آن جامعه و بالندگی در آینده بستگی دارد (پالوس و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۰۰). همچنین، یکی از مهمترین دغدغه‌های هر نظام آموزشی، میزان موفقیتی است که هر دانش‌آموز در امر تحصیل می‌تواند کسب کند. زیرا، عملکرد تحصیلی در هر جامعه و نظام آموزشی، نشان دهنده‌ی میزان موفقیت آن نظام آموزشی در زمینه‌ی هدف یابی و توجه داشتن به رفع نیازهای فردی است، بنابراین، زمانی می‌توان هر نظام را کارآمد دانست که میزان عملکرد تحصیلی فراگیران و دانش‌آموزان آن نظام، دارای بیشترین و بالاترین رقم در دوره‌های مختلف باشد (باقری، ۱۳۹۹: ۳). از اهداف هر مرکز و نظام آموزشی توسعه و بهبود دادن عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است؛ زیرا، عملکرد تحصیلی فراگیران، اساس و زیربنای موفقیت و پیشرفت آنان، در هر مقطعی به حساب می‌آید (درخشان، ۱۳۹۶: ۷۱). به طور کلی، عملکرد تحصیلی به معنای توانایی آموخته شده و اکتسابی یادگیرندگان و فراگیران در زمینه موضوعات و مباحث تحصیلی است که میزان آن به وسیله‌ی آزمون‌هایی که توسط معلمان، ساخته یا استاندارد شده، محاسبه و برآورد می‌شود (موسوی، ۱۴۰۱: ۲۹). ودل و پروپ (۲۰۱۷)، بیان داشتند که می‌توان عملکرد تحصیلی را به عنوان میزان دسترسی دانش‌آموز به اهداف تحصیلی تعریف نمود (ودل و پروپ، ۲۰۱۷: ۵).

در پژوهش‌ها و مطالعاتی که میزان عملکرد تحصیلی را مطالعه نمودند، همواره از رابطه‌ی سبک‌های یادگیری و ویژگی‌های شخصیتی فراگیران، به عنوان دو متغیر مهم گزارش شده است. زیرا، موضوع عملکرد تحصیلی و عواملی که می‌تواند آن را تحت تاثیر قرار دهند، از دیرباز بسیار مورد توجه مربیان تعلیم و تربیت و روان‌شناسان بوده است (ایزدی و محمدزاده ادملائی، ۱۳۸۷: ۱۶). در این میان چنین، به نظر می‌رسد که عواملی مانند هوش، انگیزش و نگرش دانش‌آموزان به درس‌های مختلف و به دنبال آن، سبک‌های یادگیری متفاوتی که هر فراگیر به منظور یادگیری دروس مختلف از آن بهره می‌گیرد، دارای اهمیت زیادی است (نیف، ۱۹۷۹: ۱۹۹). از نظر جیمز و گارنر (۱۹۹۵)، سبک یادگیری، شرایطی است که موجب می‌شود تا فراگیران آنچه را که سعی و کوشش در یادگیری آن دارند، ادراک کرده و سپس پردازش نموده و در نهایت ذخیره و یادآوری نمایند، همچنین معتقدند که سبک یادگیری، یک روشی است که یادگیرنده آن را در یادگیری مطالب درسی خود بر سایر روش‌های دیگر ترجیح می‌دهد. (جیمز و گارنر، ۱۹۹۵: ۲۵).

فهم و درک سبک برای دانش‌آموزان و آموزش دهندگان ضروری است. زیرا، درواقع وجود ابزاری معتبر به منظور اندازه‌گیری سبک یادگیری منجر به شناخت دقیق‌تر و بهتر سبک یادگیری شده و بر اساس این شناخت، می‌توان به دانش‌آموزان در جهت افزایش یادگیری و تقویت نمودن خودشکوفایی آنها کمک نمود. به بیان دیگر، سبک‌های یادگیری، باورها و رفتارهایی است که یادگیرندگان در جهت یادگیری، در یک موقعیت و زمینه به کار برده و استفاده می‌کنند. این سبک‌های یادگیری از یک سو بر اساس تفاوت‌های فردی بوده و از سوی دیگر تحت تاثیر محیط هستند و شکل می‌گیرند (پناهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۱). نظریه‌ی یادگیری کلب (۱۹۸۴)، از جمله رویکردهای موثر در بررسی و مطالعه‌ی یادگیری افراد است. کلب با مطرح نمودن نظریه‌ی سبک‌های یادگیری خویش، آن را یک روش منحصر به فردی دانسته که بر روی بعضی از توانایی‌های یادگیری افراد

<sup>۱</sup>Paloş, et al.<sup>۲</sup>Vedel & Poropat<sup>۳</sup>Keefe<sup>۴</sup>BlueJurnes & Gurdner

نسبت به سایر توانایی‌ها، تاکید بیشتری داشته و اعتقاد دارد که شناخت و آگاهی فرد از پیامد سبک‌های یادگیری خود، در اکتساب و به کار بردن روش‌های دیگر یادگیری دارای مزایایی خواهد بود (مشتاقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۰).

کلب براساس نظریات ارائه شده‌ی دیویی<sup>۵</sup>، لوین<sup>۶</sup> و پیاژه<sup>۷</sup> یک چرخه چهار مرحله‌ای فرضی ارائه کرده است که به نام چرخه یادگیری تجربه‌ای<sup>۸</sup> است (ایزدی و محمدزاده ادملایی، ۱۳۸۷: ۱۶). برطبق نظریه‌ی کلب، یادگیری یک فرآیند چهارمرحله‌ای بوده و شامل مراحل تجربه عینی<sup>۹</sup>، مشاهده تاملی<sup>۱۰</sup>، مفهوم سازی انتزاعی<sup>۱۱</sup> و آزمایشگری فعال<sup>۱۲</sup> است. این فرآیند دارای دو بعد است، که عبارت‌اند از: ۱. تجربه عینی در برابر تفکر انتزاعی ۲. مشاهده تاملی در برابر آزمایشگری فعال. بر طبق نظریه کلب، تجربه داشتن در مرحله یادگیری دارای نقش مهمی است. در ابتدا در این چرخه یادگیری، اطلاعات را به‌وسیله‌ی تجربه عینی کسب می‌نمایند و این تجربه عینی فوری اساس و زیربنای مشاهده تاملی را می‌سازد. یادگیرنده در این مرحله، اطلاعات تجربی را با برخی از دیدگاه هایش سر و سامان می‌دهد. سپس، بعد از مشاهده تاملی در سومین مرحله، مفهوم سازی انتزاعی به وقوع می‌پیوندد. به این معنی که یادگیرندگان، تعمیم‌هایی به عمل می‌آورند که به آنها کمک کرده تا مشاهدات خودشان را با اصول و نظریه‌ها، یکپارچه سازند. سرانجام، آخرین مرحله آزمایشگری فعال است. در این مرحله یادگیرندگان و فراگیران، این تعمیم‌ها را به عنوان قواعدی به منظور عمل در موقعیت‌های پیچیده و جدیدتر استفاده می‌نمایند (کلب، ۱۹۸۴). با ترکیب چهار شیوه یادگیری فوق، چهار سبک را به نام‌های یادگیری همگرا، واگرا، جذب کننده و انطباق یابنده نامگذاری کرده‌اند. افراد همگرا با خصوصیات دستکاری کردن اشیاء، تجزیه و تحلیل منطقی عقاید، برنامه ریزی و یادگیری از راه تفکر شناخته می‌شوند. افراد واگرا به‌وسیله‌ی ویژگی مشاهده تاملی، یادگیری توسط ادراک، با در نظر گرفتن جنبه‌های متفاوت و مختلف موضوع، قابل تشخیص هستند؛ افراد جذب کننده به‌وسیله‌ی ویژگی مفهوم سازی انتزاعی، ایجاد مفاهیم انتزاعی، علاقه به علوم پایه و علوم کاربردی، مطالعه تفکر در تنهایی تمایز داده می‌شوند و یادگیرندگان انطباق یابنده هم توسط ویژگی عینی، بحث گروهی، علاقه به خرید و فروش، معامله و بازاریابی، علاقه به همراهی با همسالان، علوم انسانی و هنر مشخص می‌گردند (اندروسون و آدام<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۳: ۴۹).

بررسی‌ها و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در نظریه یادگیرندگان و فراگیران دارای سبک یادگیری واگرا، در دیدن موقعیت‌های عینی نسبت به دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف، بیشترین توانایی را دارند. سبک یادگیری همگرا، دارای بیشترین توانایی در کاربرد عملی نظریه‌ها و اندیشه‌ها است. افرادی که دارای سبک یادگیری جذب کننده در درک و فهم مقدار زیادی از اطلاعات و ترکیب آن‌ها به صورت منطقی، دارای بیشترین توانایی است. افرادی که دارای سبک انطباق یابنده هستند، دارای بیشترین توانایی در یادگیری تجارب اولیه هستند. هر فراگیر سبک یادگیری مخصوص به خود را دارد. معلمان کلاس، اگرچه الزاماً نخواهند توانست که همگی تفاوت‌های سبک یادگیری را پیدا کنند، اما بایستی توجه داشته باشد که فراگیران، شیوه‌ها و روش‌های برخورد متفاوتی با مسائل دارند (کاروند، ۱۴۰۱: ۱۲). به‌طور کلی، سبک‌های یادگیری رفتارهای عادی و متمایز است که به منظور کسب دانش، نگرش و مهارت‌ها از طریق تجربه یا مطالعه می‌باشد و به‌عنوان روشی است که دانش‌آموزان در یادگیری مطالب درسی خود به سایر شیوه‌ها و روش‌ها ترجیح می‌دهند. هدایت و شناسایی آنها می‌تواند نقش مهمی را در انتخاب و گزینش روش‌های یاددهی و انتقال دانش و مفاهیم به دانش‌آموزان و در نهایت اعتلای سطح آموزش ایفا کند. در اکثر مواقع، معلمان نگرانی‌هایی را در رابطه با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارند. با توجه به اینکه یادگیری امری است که با معلم و تدریس ارتباط دارد، برخی از معلمان تفاوت فردی دانش‌آموزان و سبک‌های یادگیری آنها را در نظر نمی‌گیرند و همچنان از

<sup>۵</sup>Dewey<sup>۶</sup>Lewin<sup>۷</sup>Piaget<sup>۸</sup>Experiential learning cycle<sup>۹</sup>Concrete Experience<sup>۱۰</sup>Reflective Observation<sup>۱۱</sup>Abstract Conceptualization<sup>۱۲</sup>Active Experimentation<sup>۱۳</sup>Anderson & Adams

روش‌های سنتی سخنرانی و غیره استفاده می‌کنند. لذا با توجه به توضیحات، این سؤال مطرح است که آیا سبک‌های یادگیری کلب که شامل سبک‌های یادگیری واگرا، انطباق دهنده، جذب کننده و همگراست بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و معلمان پنجم و ششم ابتدایی شهر املش تأثیر دارد؟

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده درباره سبک‌های یادگیری و عملکرد تحصیلی، نتایج مختلفی به بار آورده‌اند، از جمله اینکه:

- موسوی (۱۴۰۱)، پژوهشی در رابطه با انگیزش تحصیلی، مسئولیت پذیری و سبک یادگیری با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان انجام دادند. روش مورد استفاده در پژوهش حاضر از نوع توصیفی و به روش همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسط شهرستان بوکان بودند که به حجم ۳۵۱ دانش‌آموز دختر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. نتایج نشان داد که بین انگیزش تحصیلی، مسئولیت‌پذیری و عملکرد تحصیلی، همبستگی معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون همزمان بیان کرد که انگیزش درونی و بیرونی و مسئولیت‌پذیری و سبک‌های یادگیری، چهار مؤلفه‌ی تجربه‌عینی، مشاهده‌تأملی، مفهوم سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال را شامل می‌شود، به صورت مثبت و معنی‌داری می‌تواند، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهرستان بوکان پیش‌بینی کند.
- مرادی و همکاران (۱۴۰۰)، سبک یادگیری رقابتی و رفاقتی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس علوم تجربی را بررسی کردند. جامعه آماری این تحقیق، دانش‌آموزان پسر دوره ابتدایی منطقه ۲ شهر تهران بود. حجم نمونه به‌وسیله‌ی جدول کوهن، تعداد ۶۰ نفر تعیین شد و توسط نمونه‌گیری تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین دو گروه از لحاظ پیشرفت تحصیلی درس علوم، تفاوت معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، یادگیری رفاقتی بر پیشرفت تحصیلی درس علوم تجربی دانش‌آموزان دارای تأثیر معنی‌داری است.
- طالب (۱۳۹۹) در پژوهش خود به مقایسه سبک‌های یادگیری کلب و خلاقیت دانش‌آموزان مدارس هوشمند با عادی انجام پرداخت. جامعه آماری پژوهش او، شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه شهر تهران و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان ۳۸۴ نفر است. نتایج حاصل از پژوهش او نشان داد که بین سبک یادگیری همگرا و سبک یادگیری واگرا در بین دو گروه دانش‌آموزان مدارس عادی و هوشمند تفاوت معناداری برقرار است، همچنین بین مؤلفه‌ی ابتکار و متغیر خلاقیت در بین دو گروه دانش‌آموزان مدارس عادی و هوشمند تفاوت معناداری وجود دارد.
- چتی<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر سبک‌های یادگیری و سبک‌های تدریس، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پرداختند. پنج مدرس و ۲۵۱ دانشجو به عنوان شرکت‌کننده در این مطالعه شرکت داشتند. یافته‌ها نشان داد که اکثریت دانش‌آموزان سبک یادگیری بصری را ترجیح می‌دهند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سبک‌های تدریس مدرسین بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد.
- گی‌یر<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان نتایج آزمون استاندارد شده دانش‌آموزان شرکت‌کننده در برنامه درسی پژوهش محور در محیط‌های روستایی به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزانی که به مدت سه سال در این برنامه درسی شرکت داشتند، نسبت به گروه همسالانشان، در ادراک محتوای علوم و مهارت‌های فرایندی بهتر بودند. همچنین برنامه درسی استاندارد شده پژوهش محور، می‌تواند منجر به پیشرفت، در آزمون استاندارد پیشرفت تحصیلی در این دانش‌آموزان شود.
- ایلچین<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود، رابطه‌ی بین سبک‌های یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بررسی کردند. تعداد افراد شرکت کننده در پژوهش حاضر ۱۸۴ نفر بودند که توسط پرسشنامه سبک‌های یادگیری ریچمن مورد ارزیابی قرار گرفتند. یافته‌های حاصل از تحقیق آنها نشان داد که بین سبک یادگیری اجتنابی و عملکرد تحصیلی رابطه منفی وجود دارد و بین سبک یادگیری مشارکتی و عملکرد تحصیلی هم رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد.

## ۳. روش پژوهش

این تحقیق از نوع توصیفی - همبستگی است. از آنجایی که یافته‌های این تحقیق کمک شایانی به نظام آموزش و پرورش و سازمان‌های ذینفع به منظور ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌کند از نظر هدف کاربردی می‌باشد و از نظر جمع‌آوری داده‌ها پیمایش و میدانی است.

## • جامعه آماری و روش نمونه‌گیری و نمونه آماری تحقیق

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی شهرستان املش در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند که تعداد آنها ۹۹۰ نفر بود.

در این پژوهش به منظور به دست آوردن حجم نمونه مکفی بعد از گرفتن حجم دقیق جامعه آماری با برآورد حجم نمونه به واسطه جدول مورگان تعداد دانش‌آموزان ۲۷۷ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

## • روش و ابزار جمع‌آوری داده‌های تحقیق

به منظور سنجش متغیرهای تحقیق از روش میدانی و از پرسشنامه سبک‌های یادگیری کلب (۱۹۸۵) استفاده گردید. در این پرسشنامه شیوه‌های یادگیری افراد مشخص می‌شود این پرسشنامه دارای دوازده ماده است. هر سؤال آن ۴ گزینه دارد: تجربه عینی (CE)، مشاهده تأملی (RO)، مفهوم‌سازی انتزاعی (AC) و آزمایشگری فعال (AE). با جمع امتیاز هریک از این ۴ گزینه در ۱۲ جمله پرسشنامه ۴ نمره به دست می‌آید که شیوه‌های یادگیری فرد را نشان می‌دهد.

تجربه عینی + مشاهده تأملی = سبک واگرا

آزمایشگری فعال + مفهوم‌سازی انتزاعی = سبک همگرا

تجربه عینی + آزمایشگری فعال = سبک انطباق یابنده

مفهوم‌سازی انتزاعی + مشاهده تأملی = سبک یادگیری جذب‌کننده

پاسخ‌های پیشنهادی را از نمره ۱ تا ۴ به شرح زیر رتبه‌بندی می‌کنند:

✓ اگر پاسخ پیشنهادی با یادگیری شما کاملاً مطابقت دارد نمره ۴ بدهید.

✓ اگر پاسخ پیشنهادی با یادگیری شما تاحدی مطابقت دارد نمره ۳ بدهید.

✓ اگر پاسخ پیشنهادی با یادگیری شما اندکی مطابقت دارد نمره ۲ بدهید.

✓ اگر پاسخ پیشنهادی با یادگیری شما خیلی کم مطابقت دارد نمره ۱ بدهید.

حسینی (۱۳۷۷) و میر انصاری از طریق تحلیل عوامل داده‌ها، روایی آزمون را تأیید کرده‌اند. همچنین پینتو با توجه به محاسبات آماری و برآورد بار عاملی، روایی سازه پرسشنامه کلب را تأیید می‌کند. کلب در سال ۱۹۸۵ ضریب پایایی پرسشنامه‌اش را با استفاده از آلفای کرونباخ تأیید کرد. پرسشنامه‌ی این تحقیق به دلیل اینکه استاندارد هست، از روایی مناسبی برخوردار است و جهت اطمینان مجدداً به رؤیت استاد رسیده و روایی آن مورد تأیید قرار گرفت. برای پایایی آن نیز از فرمول آلفای کرونباخ استفاده گردید و مقدار پایایی آن چون از ۰/۷ بیشتر شده است، بدین معنی است که پرسشنامه از پایایی مناسبی برخوردار است.

## جدول ۱: خلاصه ضرایب مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش

مؤلفه	آلفای کرونباخ
سبک‌های یادگیری	۰/۸۴۰

مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ نشان‌گر پایداری قابل قبول است و یافته‌های این پژوهش در جدول ۱، گویای آن است که سؤال پژوهش از پایداری مناسبی برخوردار است، چرا که نمرات گزارش شده همگی بالاتر از ۰/۷ گزارش گردیده‌اند. به‌منظور بررسی فرضیه‌ی پژوهش و تجزیه تحلیل داده‌های به دست آمده از تحقیق در این پژوهش از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ استفاده می‌گردد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ۱۵۲ نفر (۵۴/۸۷ درصد) از جمعیت مورد مطالعه را زنان و ۱۲۵ نفر (۴۵/۱۳ درصد) از معلمان مرد بوده‌اند.

جدول ۲: توزیع فراوانی نمونه‌ها برحسب جنسیت دانش‌آموزان

ویژگی	تعداد	درصد
جنسیت		
زن	۱۵۲	۵۴/۸۷
مرد	۱۲۵	۴۵/۱۳

در جدول ۳، شاخص‌های توصیفی نمرات سبک‌های یادگیری گزارش شده است. همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، بیشترین میانگین سبک‌های یادگیری مربوط به مؤلفه سبک جذب‌کننده (۶/۸۷) و کمترین میانگین مربوط به سبک همگرا (۴/۸۶) است. به‌منظور بررسی این فرضیه‌ی این پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه هم‌زمان استفاده شد.

جدول ۳: شاخص‌های توصیفی سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
سبک واگرا	۲۷۷	۶/۰۱	۲/۱۱
سبک همگرا	۲۷۷	۴/۸۶	۱/۷۸
سبک انطباق‌یابنده	۲۷۷	۵/۵۹	۲/۰۱
سبک جذب‌کننده	۲۷۷	۶/۸۷	۲/۱۶

یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۴ نشان می‌دهد که بین تمام مؤلفه‌های سبک‌های یادگیری به‌جز سبک همگرا که با عملکرد دانش‌آموزان رابطه معکوس دارد، بین سایر سبک‌ها با عملکرد دانش‌آموزان همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. در ادامه به‌منظور بررسی قدرت پیش‌بینی مؤلفه‌های تحقیق از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه هم‌زمان استفاده شد. در این آزمون آماری، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سبک یادگیری به‌عنوان متغیر پیش‌بین و متغیر عملکرد به‌عنوان متغیر ملاک وارد مدل شدند. قبل از تحلیل‌های رگرسیونی ابتدا به بررسی مفروضات پرداخته شد. در بررسی مفروضه استقلال خطای متغیرهای پیش‌بین و ملاک، همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، شاخص دوربین واتسون در دامنه ۴-۰ قرار دارد ( $1/345 < 4$ )، لذا می‌توان گفت که مفروضه استقلال خطای متغیرها برقرار است و رعایت شده است.

جدول ۴: آزمون همبستگی پیرسون در بررسی رابطه سبک‌های یادگیری با عملکرد

متغیر	عملکرد		
	تعداد	مقدار همبستگی	سطح معنی‌داری
سبک واگرا	۲۷۷	۰/۶۱۹	۰/۰۰۰
سبک همگرا	۲۷۷	-۰/۴۹۳	۰/۰۰۰
سبک انطباق‌یابنده	۲۷۷	۰/۴۴۴	۰/۰۰۲
سبک جذب‌کننده	۲۷۷	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱

$$p < ۰/۰۰۱***$$

در بررسی فرض هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین نیز یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که شاخص‌های اغماض و تورم واریانس نیز حد نساب لازم را کسب کرده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت که فرض هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین رد می‌شود و همبستگی متغیرهای پیش‌بین خللی در یافته‌ها وارد نمی‌کند.

جدول ۵: بررسی مفروضه استقلال خطاها و هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین

متغیرهای پیش‌بین	شاخص اغماض (تولرانس)	شاخص تورم واریانس (وایف)	دوربین واتسون
سبک واگرا	۰/۴۴۱	۲/۳۹۷	۱/۴۱۱
سبک همگرا	۰/۱۴۹	۹/۶۵۶	
سبک انطباق‌یابنده	۰/۸۹۴	۱/۱۲۹	
سبک جذب‌کننده	۰/۷۷۹	۱/۱۱۱	

در بررسی این فرضیه‌ها، یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون خطی چندگانه در جدول ۶ نشان می‌دهد، مؤلفه‌های سبک‌های یادگیری مجموعاً قادر به پیش‌بینی عملکرد در دانش‌آموزان هستند ( $p < ۰/۰۰۱$ ،  $F(۴, ۲۷۲) = ۷۸/۵۱۹$ ). همچنین مجذور ضریب همبستگی ( $R^2 = ۰/۷۰۳$ ) نیز نشان می‌دهد که این مؤلفه‌های می‌توانند ۷۸ درصد از تغییرات عملکرد در دانش‌آموزان را تبیین کنند.

جدول ۶: تحلیل واریانس رگرسیون مؤلفه‌های سبک یادگیری در پیش‌بینی عملکرد دانش‌آموزان

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	متوسط مجذورات	F	سطح معنی‌داری (p-value)
رگرسیون	۳۶۲۱/۶۱۳	۴	۴۶۷/۱۹۷	۷۸/۵۱۹	۰/۰۰۰***
خطا	۵۹۴/۱۹۷	۲۷۲	۱۲/۵۲۸		
کل	۴۲۱۵/۸۱	۲۷۷			

$$R^2 = ۰/۶۹۰ \text{ تعدیل شده؛ } R^2 = ۰/۷۰۳ ؛ R = ۰/۸۳۸ \text{ } p < ۰/۰۰۱ ***$$

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، ضریب بتا ( $\beta$ ) سبک واگرا ( $p < ۰/۰۰۱$ ،  $t = ۷/۱۱۳$ )، سبک انطباق‌یابنده ( $p < ۰/۰۰۱$ )، سبک جذب‌کننده ( $p < ۰/۰۰۱$ ،  $t = ۴/۳۸۲$ ) مثبت و معنی‌دار است و در سبک همگرا ( $p < ۰/۰۰۱$ ،  $t = ۲/۱۹$ ) - ضریب بتا منفی و معنی‌دار است.

جدول ۷: تحلیل واریانس رگرسیون مؤلفه‌های سبک یادگیری در پیش‌بینی عملکرد دانش‌آموزان

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	متوسط مجزورات	F	سطح معنی‌داری (p-value)
رگرسیون	۳۶۲۱/۶۱۳	۴	۴۶۷/۱۹۷	۷۸/۵۱۹	۰/۰۰۰***
خطا	۵۹۴/۱۹۷	۲۷۲	۱۲/۵۲۸		
کل	۴۲۱۵/۸۱	۲۷۷			

$$R^2 = ۰/۶۹۰ \text{ تعدیل شده؛ } R^2 = ۰/۷۰۳ \text{؛ } R = ۰/۸۳۸ \text{؛ } p < ۰/۰۰۱ \text{ ***}$$

معادله رگرسیون پیش‌بینی عملکرد در دانش‌آموزان از روی مؤلفه‌های سبک یادگیری:

$$Y = a + \beta (x_1)$$

(معادله ۱)

$$\text{عملکرد} = ۲/۹۷۱ + ۰/۲۱۹ \times (\text{سبک واکرا})$$

(معادله ۲)

$$\text{عملکرد} = ۲/۹۷۱ + (-۰/۱۹۷) \times (\text{سبک همگرا})$$

(معادله ۳)

$$\text{عملکرد} = ۲/۹۷۱ + ۰/۱۲۱ \times (\text{سبک انطباق یابنده})$$

(معادله ۴)

$$\text{عملکرد} = ۲/۹۷۱ + ۰/۴۱ \times (\text{سبک جذب‌کننده})$$

(معادله ۵)

## ۵. بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این تحقیق تأثیر سبک‌های یادگیری بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پنجم و ششم ابتدایی شهرستان املش بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی شهرستان املش که ۹۹۰ نفر تشکیل دادند که به‌واسطه جدول مورگان تعداد دانش‌آموزان ۲۷۷ نفر انتخاب شدند. به منظور سنجش متغیرهای تحقیق با استفاده از روش میدانی از پرسشنامه‌ی سبک‌های یادگیری کلب (۱۹۸۵) استفاده شد و معدل آزمودنی‌ها در نیم‌سال اول تحصیلی ۱۴۰۱ مبنای عملکرد تحصیلی بود.

جهت بررسی فرضیه‌ی این پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که بین تمام مؤلفه‌های سبک‌های یادگیری به‌جز سبک همگرا که با عملکرد دانش‌آموزان رابطه معکوس دارد، بین سایر سبک‌ها با عملکرد دانش‌آموزان همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون خطی چندگانه نشان داد ضریب بتا ( $\beta$ ) سبک واگرا ( $t = ۷/۱۱۳, p < ۰/۰۰۱$ )، سبک انطباق یابنده ( $t = ۳/۱۹۷, p < ۰/۰۰۱$ )، سبک جذب‌کننده ( $t = ۴/۳۸۲, p < ۰/۰۰۱$ ) مثبت و معنی‌دار است و در سبک همگرا ( $t = -۲/۱۹, p < ۰/۰۰۱$ ) ضریب بتا منفی و معنی‌دار است. این یافته با یافته‌های موسوی (۱۴۰۱)، مرادی و همکاران (۱۴۰۰)، طالب (۱۳۹۹)، چتی و همکاران (۲۰۱۹)، گی‌یر و همکاران (۲۰۱۸) و ایلچین و همکاران (۲۰۱۸) همسو است.

چتی و همکاران (۲۰۱۹) بیان کردند که اکثریت قریب به اتفاق دانش‌آموزان، سبک یادگیری بصری را بیشتر ترجیح می‌دهند. در تبیین این فرضیه باید گفت که یادگیری از جمله مهم‌ترین متغیرها در روانشناسی است که به ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در توان رفتاری یا رفتار منجر می‌شود و حاصل تجربه است، گفته می‌شود. توجه نمودن به تفاوت‌های فردی فراگیران به‌وسیله‌ی معلمان از جمله ترجیحات شخص به منظور یادگیری، در افزایش سطح پیشرفت تحصیلی و بهبود دادن کیفیت یادگیری آنان به میزان زیادی مؤثر است. سبک یادگیری به یک ساختار خاص و باثبات در هر فرد اشاره دارد که اشخاص توسط آن به شناسایی، پردازش، تصحیح و معنی دادن به محرکات می‌پردازند. به منظور بهبود دادن کیفیت آموزش و یادگیری بایستی متغیرهایی که با سبک‌های یادگیری مرتبط است و بر فرایند یادگیری تأثیر دارند، شناسایی شده و در مسیر بهبود فرایند آموزش دهی از روابط بین این متغیرها آگاهی کسب کرد. به طور کلی، اطلاعات معلمان و مربیان از عوامل مؤثر در فرایند



یاددهی و یادگیری و مدرسه است و مشاورین با توجه به سبک یادگیری قادر هستند دانش‌آموزان را در برنامه‌ریزی درسی یاری کنند. ایلچین و همکاران (۲۰۱۸)، بیان داشتند که میان سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان و عملکرد تحصیلی آنها همپوشانی وجود دارد. اکثر معلمان با این نظر موافق هستند که تمام یادگیرندگان به یک شیوه و روش یاد نمی‌گیرند یا رویکردشان مشابه به یادگیری نیست؛ این نکته ممکن است به خصوص در مورد یادگیرندگان و فراگیران بزرگسال مصداق بیشتری داشته باشد. زیرا آنها به دلیل طیف سنی و تجارب زیاد، نسبت به هر گروه سنی دیگر، دارای تنوع بیشتر و دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه یادگیری هستند. چنانچه موقعیت یادگیری فراگیر با روش یادگیری ترجیحی او، دارای مطابقت داشته باشد، این احتمال وجود دارد که میزان یادگیری او بیشتر از زمانی باشد که روش و شیوه‌ی یادگیری‌اش نادیده گرفته می‌شود.

فلاح (۱۳۹۲)، بیان می‌دارد که تفاوت‌های مشاهده شده در سبک‌های یادگیری با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ی مستقیم دارد. با توجه به نتایج به دست آمده در این پژوهش، می‌توان تبیین کرد که سبک‌های یادگیری اصلی و ترکیبی باتوجه نمودن به عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و فراگیران، زمینه ساز رشد و پرورش مهارت‌های ذهنی و تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود و در نهایت موجب پیشرفت دانش‌آموزان در زمینه یادگیری می‌شود. دانش‌آموزانی که خلاق هستند، به‌وسیله‌ی روش‌ها و شیوه‌های مختلف به کشف امور پیچیده پرداخته که این امر منجر به یادگیری درونی برای آنها می‌شود. در روش و شیوه‌های سنتی که فقط حفظ طوطی وار مطالب مد نظر بود و بدون درگیر نمودن دانش‌آموز و بدون واداشتن وی به تامل در قضایا صورت می‌گرفت، روحیه‌ی آزمایشگری و کنکاش درونی وجود نداشت و در نتیجه، دلیلی برای چرایی و چیستی هر مسئله و موضوع است که بدون آزمایشگری و تامل طی می‌کند و خود یک دلیل بزرگی بر کاهش و پایین آمدن عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد. چنانچه معلمان در زمینه‌ی یادگیری و آموزش به این امر مهم توجه داشته باشند، می‌توان موجب یادگیری قوی همراه با ذهنی خلاق و عملکرد تحصیلی مثبتی در دانش‌آموزان شد.

یافته‌های این پژوهش و سایر تحقیقاتی که در زمینه ارتباط بین سبک‌های یادگیری و عملکرد تحصیلی صورت گرفته‌اند، همگی بر این واقعیت تأکید دارند که سبک‌های یادگیری بر عملکرد تحصیلی و انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان تأثیر داشته و اگر شیوه‌های تدریس با سبک‌های یادگیری مطابقت داشته باشد، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. در مجموع شناسایی و آگاهی از سبک‌های یادگیرندگان می‌تواند نقش مهمی در یادگیری و موفقیت تحصیلی آنها داشته باشد. این سبک‌ها ترکیبی از پاسخ‌های عاطفی، شناختی، محیطی و فیزیولوژیکی هستند که مشخص می‌کنند شخص چگونه یاد می‌گیرد؛ بنابراین مطالب و موضوع یادگیری باید با توجه به موقعیتی که فرد در آن قرار دارد ارائه شود. سبک‌های یادگیری کنش بین تجربه و وراثت هستند و شامل نیروها و محدودیت‌هاست و در طول زندگی رشد می‌یابد؛ بنابراین موضوعات یادگیری باید با توجه به سن و شرایطی که یادگیرنده در آن قرار دارد ارائه شود و هر دوره از زندگی مطالب خاص آن دوره را می‌تواند تعیین کند. وظیفه نهادهای آموزش و پرورش در آماده نمودن دانش‌آموزانی که به عنوان نیروی انسانی در آینده تلقی می‌شوند و وظیفه‌ی معلمان در برخورد با یادگیرندگان مختلف باید آنگونه باشد که بپذیرند که هر یک از آنان ممکن است از سبک خاصی از یادگیری استفاده کرده و تکالیف درسی و یادگیری موضوع‌های مختلف را انجام دهند. هر دانش‌آموز با توجه داشتن به سبک‌ها و شیوه‌های مختلف یادگیری قادر است به مفاهیم آموزشی دست یابد. این امر موجب پیشرفت در زمینه‌ی عملکرد تحصیلی آنها می‌گردد. زیرا مفهوم سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال بر روی امر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد. هنگامی که دانش‌آموزان به منظور دریافت مفاهیم دست به آزمایشگری می‌زنند و خود در امور می‌پردازند، مفاهیم را به صوت عینی درک کرده و می‌توانند دارای فهم بیشتری در فرآیند یادگیری باشند.

در واقع، توجه داشتن معلمان به سبک یادگیری دانش‌آموزان و شناسایی کردن آنها، احتمال دارد آنها را در انتخاب روش مناسب تدریس، یاری خواهد کرد و با بهره‌گیری از نظریه یادگیری تجربه‌ای و سیاهه سبک یادگیری می‌توان به یادگیرندگان کمک کرد تا سبک‌های یادگیری خود را شناسایی کرده تا بتوانند به سطوح بالاتر عملکرد شخصی و شناختی و در نتیجه موفقیت تحصیلی خود دست پیدا کنند. دانش‌آموزانی که شیوه و سبک و روش خاصی در یادگیری دارند، می‌توانند به طرف رشته تحصیلی و مشاغل مشخصی هدایت شوند، مثلاً افرادی که دارای سبک واگرا انطباق یابنده هستند، به سمت رشته‌های

هنر و علوم انسانی، افراد با داشتن سبک جذب کننده، به سمت رشته‌های پزشکی و علوم طبیعی و فیزیکی و افرادی که دارای سبک همگرا هستند، به سمت رشته‌های مختلف علوم پایه و فنی جهت داده شوند. دانش‌آموزان بر اساس رغبت‌ها، علایق، نیازها و شخصیت خود دنیای اطراف خود را درک کرده و بر مبنای آن، توانمندی‌ها و مهارت‌های خاصی را به دست می‌آورند و گسترش داده و در نتیجه قادر هستند که به وسیله‌ی این شیوه و سبک در مشاغل و زندگی آینده‌ی خود، کارآمدی و بهره‌وری بهتری را در زندگی خود، نشان دهند که در نتیجه‌ی آن، می‌توان این پیامد را پیش‌بینی کرد که احتمالاً دارای رضایت‌مندی از خود و محیط خود خواهند شد و حتی تا اندازه‌ای می‌توان افرادی که تمایلات خاصی برای مشاغل و رشته‌ی خاصی دارند، با آموزش روش‌ها و شیوه‌ها و سبک‌های یادگیری مرتبط با آن رشته یا شغل، در ایجاد مهارت و کسب دانش در این زمینه اقدام کرد.

## ۶. نتیجه‌گیری کلی

در این پژوهش سعی بر این بود تا رابطه بین سبک‌های یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پنجم و ششم ابتدایی شهرستان املش بررسی شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک‌های یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه دارد. شاید این توقع زیادی نباشد که از معلم انتظار داشته باشیم تا برای هر یک از دانش‌آموزان خود موقعیت مطابق میل او فراهم آورد و هر گونه حمایتی را که در ارتباط با سبک خاص اوست برایش فراهم نماید، از آنجا که می‌توان توانایی‌های آفرینندگی و شیوه‌های فکری را به افراد به ویژه کودکان و نوجوانان آموزش داد باید دانش‌آموزان را تشویق نمود تا به طریق اکتشافی و از راه خودآموزی به حل مسائل بپردازند و از وادار کردن دانش‌آموزان به رقابت و هم‌چشمی با یکدیگر بپرهیزیم و تفاوت‌های فردی یادگیرندگان را در نظر داشته باشیم. اغلب معلمان با این نظر موافق‌اند که همه یادگیرندگان به یک شیوه یاد نمی‌گیرند یا رویکردشان به یادگیری مشابه نیست، اگر موقعیت یادگیری دانش‌آموز با روش یادگیری او مطابقت داشته باشد، احتمال دارد میزان یادگیری او بیش از زمانی باشد که روش یادگیری‌اش نادیده گرفته می‌شود.

با توجه به اینکه بین سبک‌های یادگیری بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مقطع پنجم و ششم شهرستان املش تأثیر دارد پیشنهاد می‌شود:

- معلمان و متخصصان را از سبک‌های یادگیری آگاه ساخته و از روش مناسب جهت افزایش اعمال این سبک‌ها و ارجحیت آن‌ها در برنامه‌های آموزشی به‌منظور یادگیری بهتر دانش‌آموزان استفاده شود.
- نحوه استفاده صحیح از سبک‌های یادگیری توسط پرسنل مدارس آموزشی در نظر گرفته شود.
- از رهنمودهای سازنده‌ی مشاوران و روانشناسان و متخصصان اجتماعی، جهت افزایش آگاهی بخشی نسبت به سبک یادگیری دانش‌آموزان استفاده شود.
- محیط شاد و صمیمی توسط معلمان و مشاوران و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت ایجاد شود.
- سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان در جهت برنامه‌ریزی لازم برای فرآیند یاددهی متناسب با سبک یادگیری دانش‌آموزان، شناسایی و تشخیص داده شوند.
- برنامه‌های دروس آموزشی متناسب با سبک یادگیری، تدوین و اعمال شود.
- از تمرینات و وسایل کمک‌آموزشی بصری و شنیداری و جنبشی و لمسی توسط معلمان، استفاده شود.
- دانش‌آموزان در فعالیت کلاسی و کارگروهی، مشارکت داده شوند.
- معلمان در تدریس به تفاوت‌های موجود در سبک‌های یادگیری فراگیران توجه داشته و بهترین آن‌ها به‌کاربرده شود.

## منابع

- ایزدی، صمد و محمدزاده ادملایی، رجبعلی (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های یادگیری، ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، دوره ۱۴، شماره ۲۷، صفحه ۱۵-۲۸.
- باقری، بیتا (۱۳۹۹). پیش‌بینی عملکرد تحصیلی و احساس شایستگی تحصیلی بر اساس درگیری آموزشی و سبک یادگیری فعال در دانش‌آموزان پایه دهم آموزش و پرورش ناحیه ۴ شهر کرج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، مرکز کرج.
- پناهی، روح‌الله؛ کاظمی، سلطانه‌علی و رضایی، آذرمدخت (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های یادگیری با پیشرفت تحصیلی: نقش جنس و رشته تحصیلی. مجله روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، دوره ۸، شماره ۳۰، صفحه ۱۸۹-۱۹۶.
- طالب، زهرا، (۱۳۹۹). مقایسه سبک‌های یادگیری کلب و خلاقیت دانش‌آموزان مدارس هوشمند. همایش ملی مطالعات برنامه درسی در هزاره سوم، کرمان.
- فلاح، سمانه (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری با عملکرد تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان دختر پایه سوم متوسطه شهرستان فسا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.
- کاروند، زینب، (۱۴۰۱). روش‌های تدریس در فضای مجازی شاد با توجه به سبک یادگیری دانش‌آموزان پایه چهارم. چهارمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب.
- مرادی حقیقت، رضوان؛ صفری، اکرم و صبوری، فاطمه، (۱۴۰۰). تأثیر سبک یادگیری رفاقتی و رقابتی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس علوم تجربی. پویش در آموزش علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۲۵، صفحه ۷۸-۶۱.
- مشتاقي، سعید؛ عگبهی، عبدالحسین و حیاتی، داوود (۱۳۹۲). بررسی رابطه سبک‌های یادگیری با عملکرد تحصیلی، جنسیت و رشته تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان دزفول. دوفصلنامه‌ی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی، دوره ۳، شماره ۲، صفحه ۴۹-۵۹.
- موسوی، روژین (۱۴۰۱). رابطه انگیزش تحصیلی، مسئولیت‌پذیری و سبک یادگیری با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، دوره ۵، شماره ۵۴، صفحه ۲۸-۴۰.
- نظری، ابوالفضل (۱۳۹۹). پیش‌بینی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم بر اساس راهبردهای فراشناختی، خودپنداره تحصیلی و سبک‌های یادگیری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، مرکز کبودر آهنگ.
- نوشین، درخشان؛ علی‌اکبر، سیف؛ کیامنش، علیرضا و احدی، حسن (۱۳۹۶). ساخت، اعتباریابی، رواسازی و هنجاریابی پرسشنامه انگیزش تحصیلی حالتی (ASM). نشریه علمی پژوهشی آموزشی و ارزشیابی، دوره ۴۰، شماره ۱۰، صفحه ۶۹-۱۰۴.

BlueJurnes, W., & Gurdner, D. L. (1995). Learning styles: Implications for distance learning. *New directions for adult and continuing education*, 67, 19-32.

Chetty, N. D. S., Handayani, L., Sahabudin, N. A., Ali, Z., Hamzah, N., Rahman, N. S. A., & Kasim, S. (2019). Learning Styles and Teaching Styles Determine Students' Academic Performances. *International Journal of Evaluation and Research in Education*, 8(4), 610-615.

Geier, R., Blumenfeld, P. C., Marx, R. W., Krajcik, J. S., Fishman, B., Soloway, E., & Clay-Chambers, J. (2008). Standardized test outcomes for students engaged in

- inquiry-based science curricula in the context of urban reform. *Journal of Research in Science Teaching: The Official Journal of the National Association for Research in Science Teaching*, 45(8), 922-939.
- İlçin, N., Tomruk, M., Yeşilyaprak, S. S., Karadibak, D., & Savcı, S. (2018). The relationship between learning styles and academic performance in TURKISH physiotherapy students. *BMC medical education*, 18(1), 1-8.
- Keefe, J. (1979). Learning style: An overview. in national association of their relationship. *British Journal of Educational Psychology*, 67, 199-212.
- Kolb, D. A. (1984). Experience as the source of learning and development. *Upper Sadle River: Prentice Hall*.
- Paloş, R., Maricuţoiu, L. P., & Costea, I. (2019). Relations between academic performance, student engagement and student burnout: A cross-lagged analysis of a two-wave study. *Studies in Educational Evaluation*, 60, 199-204.
- Vedel, A., & Poropat, A. E. (2017). Personality and academic performance. *Encyclopedia of personality and individual differences*, 1-9.